

**گروه بین‌الملل**: شامگاه دیروز به وقت تهران، دونالد ترامپ به نخستین رئیس‌جمهور ایالاتمتحده پس از گذشت ۱۳۲ سال تبدیل شد که برای بار دوم به کاخ سفید بازمی‌گردد؛ پدیده‌ای که نتیجه گسست سیاست‌های کلی آمریکا در دوران معاصر است.

مراسم تحلیف ترامپ ۷۸ ساله و معاون ۴۰ ساله‌اش جیمز دیوید ونس که قرار بود به سیاق دهه‌های اخیر روی پلکان غربی ساختمان کنگره، مشرف به فضای سبز مرکز شهر واشنگتن‌دی‌سی بر گزار شود، به بهانه بدی آب و هوا اما در اصل به خاطر بیم مشکلات امنیتی و حتی احتمال وقوع سومین ترور ترامپ، به فضای سرپوشیده منتقل شد. آخرین بار که مراسم تحلیف ریاست‌جمهوری آمریکا به بهانه هوای سرد در فضای سرپوشیده برگزار شد، سال ۱۹۸۵ میلادی و آغاز دور دوم حضور رونالد ریگان در کاخ سفید بود که در آن مورد هم ترور ریگان در دور نخست ریاست‌جمهوری‌اش، عامل امنیتی واقعی این موضوع محسوب می‌شد. برخی چهره‌های برجسته سیاسی آمریکایی در کنار مالکان پلنفرم‌های فضای مجازی و سرمایه‌داران ایالات متحده در این رویداد حضور داشتند. جو بایدن و ۳ رئیس‌جمهور قبلی آمریکا یعنی اوباما،بوش و کلینتون نیز در مراسم تحلیف ترامپ حاضر شده بودند.

مراسم ادای سوگند چهل‌وپنجمین رئیس‌جمهور آمریکا که حالا دویاره در قامت چهل‌وهفتمین رئیس‌جمهور به قدرت رسید، از ظهر دوشنبه ۲۰ ژانویه در تالار روتوندای ساختمان کنگره بر فراز تپه کیپیتال واشنگتن برگزار شد. این مراسم در عین حال آغاز شصتمین دوره ریاست‌جمهوری در این کشور است. پیش از مراسم ترامپ، همسر و پسر کوچکش بارون برای دومین بار، کلید کاخ سفید را در جریان یک ضیافت چای رایس ساعت ۱۲ ظهر به وقت ساحل شرقی ایالاتمتحده به میزبانی بایدن و همسرش دریافت کرده بودند. روز گذشته ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور جدید به اتاق ویژه پرزیدنشال در نزدیک تالار سنای ساختمان کنگره رفت و اسناد مربوط به تصدی دولت خود را امضا کرد. بعد برای وداع رسمی با بایدن و معاونش کاملا هریس، زبیر گنبد کنگره سوگند یاد کرد و بیه معرفی اعضای کابینه خود به نمایندگان پرداخت و در نهایت در ضیافت ناهار کمیته مشترک کنگره شرکت کرد. برخلاف ترامپ که ۴ سال پیش در اعتراض به تقلب در انتخابات ریاست‌جمهوری، در مراسم تحلیف سلف خود جو بایدن شرکت نکرده بود،دیروز بایدن و ۳ رئیس‌جمهور

**مسلمان مالکی**: مبارک دوبویوتز که از حامیان دواًتشه صهیونیسم‌است و در اندیشکده دفاع از دموکراسی‌ها پیوسته طرح و برنامه بر ضدمقاومت تدوین و تالیف می‌کند، توافق غزّه را معامله‌ای غم‌انگیز (tragic)، دردناک (painful)، وحشتناک و (horrible) و البته ضروری می‌داند. توصیف کرد. آری! توافق با حماس برای رژیم صهیونیستی اجتناب‌ناپذیر بود، چرا که از یک سو، رژیم صهیونیستی دیگر توان ادامه تجاوزات خود را نداشت و از سوی دیگر، خزانه ایالات متحده قادر به تأمین بودجه هفتکث برای لجستیک و مهمات این رژیم نبود. آتش‌سوزی‌های گسترده در لس‌آنجلس و کالیفرنیا، با خسارتی نزدیک به ۱۵۰ میلیارد دلار، هر دولتی را در آمریکا برای تداوم حمایت مالی و تجهیزاتی جنگ نابرابر رژیم، تحت فشار و کمبود قرار می‌دهد. از همین رو، این توافق بر خلاف آنچه رسانه‌ها کوشیدند جلوه دهند، نه حاصل فشارهای ترامپ بود و نه حاصل دستاوردهایی بایدن در استانه ترک کاخ سفید؛ بلکه حاصل مقاومت جانانه رزمندگان حماس، حزبالله و انصارالله یمن بود که ادامه جنگ را برای دشمن تا مدت‌ها منسحل صهیونیست و حامی اصلی آن آمریکا ناممکن کرد؛ دشمنی که بشدت خسته و در مانده شده بود و خود را در دستیابی به اهدافش در جنگ با حماس ناتوان می‌دید.

جست فرانتسمن که وی نیز همکار دوبویوتز در همان اندیشکده دفاع از دموکراسی‌هاست، ۱۸ دی ماه جاری در نشنال اینترست نوشت: «جنگ در غزه چالش بزرگی محسوب می‌شود، چون شواهد و قرائن حکایت از آن دارد که حماس همچنان به جذب نیرو ادامه می‌دهد و مساحت گسترده‌ای را هم در کنترل خود دارد. با اینکه جنگ غزه به شدت سال قبل نیست اما ارتش اسرائیل هر هفته متحمل خسارت‌ها و تلفات سنگینی می‌شود. ۶ ژانویه یکی از فرماندهان گردان ۹۳۲ از لشکر ناحال در درگیری‌های شمال غزه کشته شد. همچنین تعداد دیگری از نظامیان آن کشته شدند. این در حالی است که شهروندان عادی غزه هم همچنان در گرداب خسونت و خون گرفتارند و اغلب شهروندان غزه آواره شده‌اند. امروز به نظر می‌رسد اهداف اسرائیل درباره نابودی حماس، در مقایسه با اکتبر ۲۰۲۳ تغییر کرده است. امروز پس از گذشت ماه ۱۶ ماه از جنگ، هیچ گزینهای برای جایگزینی حماس در اداره غزه وجود ندارد و این جنبش همچنان کنترل همه مناطقی را که شهروندان غزه در آنها حضور دارند، به دست دارد.»

کالین کلارک، مدیر بخش تحقیقات اندیشکده امنیتی سوفان، مستقر در نیویورک در ۲۳ دی‌ماه جاری در لس‌آنجلس تایمز بیه واکاوی دلایل بقا و پایداری مقاومت در فلسطین و نوار غزه می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه ساختارهای سیاسی، امنیتی و فکری موجب می‌شوند گروه‌های نظیر حماس بتوانند به‌رغم تلفات نظامی و فشارهای گسترده، همچنان به حیات خود ادامه دهند. کلارک می‌نویسد: نخست باید به این نکته توجه کرد که ارزیابی مقاومت در نوار غزه و به طور کلی در فلسطین، بدون در نظر گرفتن سیر تاریخی درگیری عربی – اسرائیلی، و وضعیت کلی منطقه امکان‌پذیر نیست. از آغاز اشغال سرزمین‌های فلسطینی در سال ۱۹۴۸ تا امروز، رویارویی بین اسرائیل و نیروهای مقاومت شکلی زنجیروار و ممتد داشته‌است. بارها تلاش شده با اعمال فشار نظامی سنگین، این گروه‌ها از صحنه سیاسی حذف یا حتی منحل شوند اما هرگز این تلاش‌ها به موفقیت نهایی نینجامیده‌است، چرا که ساختار اجتماعی مقاومت در میان مردم فلسطین به مراتب وسیع‌تر و عمیق‌تر از آن است که تنها با اتکا به ابزار نظامی قابلیت حذف داشته باشد.

کلارک در تشریح این پدیده، بر ویژگی‌های اجتماعی و محلی حماس و حزبالله تأکید می‌کند. به گفته وی، این گروه‌ها فقط تشکل‌های نظامی نیستند، بلکه در بافت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ملت‌هایشان تنیده شده‌اند. برای مثال، حماس در نوار غزه بخشی از نظام توزیع خدمات

مراسم انتقال قدرت به رئیس‌جمهور جدید آمریکا به خاطر نگرانی‌های حفاظتی در فضای سر پوشیده برگزار شد

# تحلیف امنیتی

**آخرین بار که این مراسم در فضای سر پوشیده برگزار شد، سال ۱۹۸۵ بود که در آن مورد هم بیم ترور ریگان می‌رفت**



قبلی دیگر یعنی اوباما، بوش پسر و کلینتون در مراسم تحلیف مجدد ترامپ حضور داشتند. از رهبران خارجی نیز خاویر میلیی رئیس‌جمهور آرژانتین، نجیب بقیله از السالوادور، جورجیا ملونی نخست‌وزیر ایتالیا و معاون شسی‌جین‌پینگ رئیس‌جمهور چین در مراسم تحلیف حضور داشتند. مراسم تحلیف ترامپ اما جولانگه بی‌سابقه میلیارد‌ره‌های سرشناس آمریکایی نظیر ایلان ماسک، مارک زاکربرگ، جف بزوس و سم ائتمن هم بود. با این حال اجتماعی‌ترین بخش مراسم یعنی رژه مشهور پس از مراسم تحلیف نیز که در آن رئیس‌جمهور جدید همراه اعضای خانواده‌اش سوار بر خودروی تشریفات با پیاده از میان جمعیت استقبال‌کننده خیابان پنسیلوانیا به کاخ سفید عزیمت می‌کند برگزار نشد. این رژه به شکلی محدود به فضای سرپوشیده ورزشگاه کیپیتال وان آر‌نا در مرکز واشنگتن که حدود ۲ کیلومتر از ساختمان کنگره فاصله دارد، منتقل شد تا مشخص شود سرویس امنیتی ایالاتمتحده تا چه حد نگران جان ترامپ است. مراسم تحلیف تا ۳ روز دیگر هم ادامه می‌یابد، از جمله در ویرای شخصی او در فلوریدا.

مراسم دیروز انتقال قدرت در آمریکا اما در فضای به‌شدت امنیتی واشنگتن دی‌سی می‌ برگزار شد. جدا از بیم احتمال وقوع یک ترور دیگر علیه ترامپ در فاصله ۷ ماه، جمعیت بزرگ

**چرا حماس حذف‌شدنی نیست؟!**

## نسل تازه مقاومت

**خوانش بر یادداشت اخیر کالین کلارک، مدیر بخش تحقیقات اندیشکده امنیتی سوفان**



اجتماعی، آموزشی و بهداشتی را بر عهده دارد و پیوستگی ایدئولوژیک و هویتی‌اش با جامعه فلسطینی، به آن امکان می‌دهد در برابر حملات و تحریم‌های اجرتی تاب آورد. همین پیوند محکم با توده‌های مردمی است که موجب می‌شود حملات نظامی بیه رهبران یا سادکارهای اصلی حماس، نه‌تنها از همراهی مردم با این گروه نمی‌کاهد، بلکه گاه سبب افزایش انگیزه‌های مبارزاتی و ایجاد خشم عمومی نسبت به تلفات غیرنظامیان می‌شود. این روند، همان جذب کلارک نیز می‌گوید، به شکل ناخواسته‌ای موتور جذب نیرو برای سازمان‌های مقاومت در فعال نگه می‌دارد. کلارک در ادامه، تفاوت حماس و حزبالله با گروه‌های فراملیتی نظیر داعش و القاعده را بیان می‌کند. به نظر او، حماس و حزبالله را باید به عنوان سازمان‌های شورشی (مقهومی که ما آن را مقاومت می‌نامیم) تفسیر کرد، نه گروه‌های صرفا تروریستی فراملیتی. این تمایز مفهومی از آن رو مهم است که تروریسم را می‌توان یک تاکتیک دانست، در حالی که شورش (مقاومت)، یک راهبرد بلندمدت برای کسب قدرت یا به چالش کشیدن یک حکومت است. گروه‌های شورشی با بهره‌گیری از عناصر محلی، پایگاه اجتماعی گسترده‌تری دارند، لذا کشتار رهبران آنها به تنهایی از تحریک این گروه‌ها جلوگیری نمی‌کند، چرا که بلافاصله نیروی تازنفش از دل همان جوامع محلی سر برمی‌آورد. این در حالی است که گروه‌هایی چون داعش و القاعده با اتکای اصلی به نیروهای خارجی و آرمانی فراملی همواره نیازمند انتقال گسترده نیرو از خارج بوده‌اند و به همین دلیل، در صورت قطع این شریان، در نواحی بومی به‌سرعت تضعیف می‌شوند.اهمیت این مساله زمانی بیشتر نمایان می‌شود که توجه کنیم فضای غزه به‌رغم تراکم جمعیتی بالا و خسارات سنگین زیرساختی، همچنان در بی هر حمله نظامی اسرائیل، بخش قابل توجهی از مردم را به سمت گزینهای مقاومت سوق می‌دهد. در همین راستا، کلارک از قول یاکوف پری، رئیس پیشین شسیت، یادآوری می‌کند پس از حملات شدید اسرائیل و تلفات فراوان، «۴ یا ۵ سال دیگر با فرزندان آنها خواهیم جنگید». همین جمله نشان می‌دهد چرخه خسونت دائمًا نیروهای جدیدی را به ایده مقاومت فرا می‌خواند. این فرآیند رادیکال‌شدن که نتیجه مستقیم استفاده بیش از حد از قوه قهریه علیه غیرنظامیان

**مراسم انتقال قدرت به رئیس‌جمهور جدید آمریکا به خاطر نگرانی‌های حفاظتی در فضای سر پوشیده برگزار شد**



**نماینده دموکرات: ترامپ متجاوز و فاشیست است**

روز گذشته ساعاتی قبل از مراسم تحلیف ترامپ، یکی از شاخص‌ترین قانونگذاران حزب دموکرات، او را متجاوز و فاشیست خواند. خاتم الکساندریالوکازبو کوور تز، عضو‌خانه‌نمایندگان کنگره از حوزه انتخابیه نیویورک در ویدئویی اینستاگرامی به طور مستقیم به اتهامات جنسی مطرح شده علیه ترامپ اشاره کرد. او با اعلام اینکه در مراسم تحلیف رئیس‌جمهور جدید شرکت نمی‌کند، گفت: «همه خبرنگاران می‌گویند خاتم‌نماینده کنگره آیا در تحلیف شرکت می‌کنی؟ خاتم نماینده کنگره آیا در تحلیف شرکت می‌کنی؟ آیا در تحلیف حاضر می‌شوی؟ بگذارید زک بگویم که من برای متجاوزان جشن نمی‌گیرم، در نتیجه به تحلیف نمی‌روم.» این قانونگذار سیاستمدار دموکرات‌همشهری ترامپ همچنین اعلام کرد: «در آستانه یک دولت‌استبدادی هستنیم. این [دولت] به فاشیسیسم قرن بیست‌ویکم شباهت دارد.»

لوتر کینگ جونیور، رهبر سیاهان آمریکا نامه برده که پای سازمان سیا و اف‌بی‌ای در هر ۳ مورد وسط است. او یکشنبه گذشته نیز در جریان یک گردهمایی در واشنگتن درباره برنامه‌اش در روز اول کاری در کاخ سفید خط و نشان کشید.

او بار دیگر وعده سرکوب گسترده مهاجرت غیرقانونی به آمریکا، توقف جنگ در اوکراین و جلوگیری از جنگ سوم جهانی را مطرح کرد و سپس در اظهاراتی انتقادی علیه بایدن گفت: «تمام فرمان‌های اجرایی افراطی و احقانه دولت بایدن ظرف چند ساعت پس از ادای سوگند ریاست‌جمهوری من لغو خواهد شد.» او در بخش دیگری از سخنرانی خود اعلام کرد: «قدمات مرتبط با امنیت مرزی که من در جریان خطابه مراسم تحلیف به آنها اشاره خواهم کرد، در زمره تهاجمی‌ترین اقدامات و سیاست‌ها جهت بازگرداندن امنیت به مرزهای مان است که در جهان بی‌سابقه خواهد بود.» برخی منابع آگاه به روتیزر عنوان کرده‌اند او در نخستین روز آغاز به کار خود بیش از ۲۰۰ فرمان اجرایی امضا می‌کند.

کلارک با استناد به نظر کارشناسانی مثل کیم ظلمس عنوان کرده، اهدافی نظیر «نابودی کامل حماس» یا «عقب بردن حزبالله به دهه‌ها قبل» عملا دست‌نیافتنی به نظر می‌رسند. این دیدگاه حداکتری، ریشه در باور سرران رژیم و حلقه افراطی آنها دارد که جنگ را نه ابزاری مدنیریت‌شدنی، بلکه به مثابه فرصتی برای حل نهایی مساله می‌بینند.

به باور بسیاری از تحلیلگران، این برخورد ایدئولوژیک رژیم با مساله غزه و لبنان، چشماندار راه‌حل سیاسی را از میان برداشته‌است. کلارک تأکید می‌کند در هر جنگی، ابعاد نظامی تنها بخشی از واقعیت است و بعد سیاسی نقش انکارناپذیری در تعیین سرنوشت درگیری ایفا می‌کند. وقتی اسرائیل بر طبل «پیروزی کامل» در غزه و لبنان می‌کوبد، بدون ارائه هیچ راه‌حل سیاسی برای حل منازعه یا کم کردن از رنج و مشکلات غیرنظامیان، عملاً در حال بازتولید فضایی است که موجب افزایش حس انتقام و میل به مقاومت در نسل جوان منطقه می‌شود. این فرآیند مستمر، از دید کلارک همان عاملی است که بقای حماس و حزبالله را تضمین می‌کند. در کنار اینها، نباید فراموش کرد در فضای سیاست منطقه‌ای خاورمیانه، بحران فلسطین از دیرباز به عنوان مساله‌ای حیثیتی میان کشورهای مسلمان مطرح بوده و جنبه فراملی هم دارد. با وجودی که حماس و حزبالله ریشه‌ای بومی دارند و بیشتر متکی به نیروهای محلی اند اما کمک‌های خارجی از سوی برخی دولت‌ها یا گروه‌ها برای‌شان نقش حامی دارد. این حمایت می‌تواند مالی، تسلیحاتی یا حتی دیپلماتیک باشد. مادامی که راه‌حلی سیاسی و عادلانه برای مساله فلسطین یافت نشود، میل به استمرار حمایت از گروه‌های مقاومت در کناره گوشه و کنار جهان اسلام وجود خواهد داشت. حتی اگر فشارهای بین‌المللی قدرت‌مانور این حامیان خارجی را محدود کند، تجربه تاریخی نشان داده است به شکل‌های گوناگون از راه‌های قانونی یا غیرقانونی نوعی از حمایت تداوم می‌یابد.

از زاویه مقابل، بخشی از جامعه اسرائیل و نخبگان آن بجزوی می‌دانند راه‌کار صرفا نظامی علیه حماس و حزبالله کارآمدی لازم را ندارد. با این حال، گرایش‌های افراطی در سیاست اسرائیل (ویژه در سال‌های اخیر) و رقابت‌های جناحی بویژه در ائتلاف‌های متزول، باعث شده است رویکرد مصالحه‌آمیز یا دیپلماتیک به حاشیه رانده شود. تبلیغات دولتی مبتنی بر «امنیت مطلق» در برابر فلسطینیان که از طریق «یابودی حماس» قابل تحقق است، در کوتاهمدت شایع بخشی از جامعه اسرائیل را قانع کند ولی در بلندمدت به چرخه‌ای نمانش‌شدنی از جنگ و بازسازی مقاومت منجر شده است.

در نهایت، همان‌طور که از تحلیل‌های کلارک و دیگر صاحبنظران برمی‌آید، اگر رویکردهای سیاسی، دیپلماتیک و اجتماعی در کنار تلاش‌های امنیتی قرار نگیرند، حملات اسرائیل نه‌تنها پایان‌بخش حضور حماس در غزه نخواهند بود، بلکه به واسطه سرکوب و تلفات گسترده غیرنظامیان، عناصر شورش را بازتولید خواهد کرد. فلسطینی‌ها که در طول دهه‌ها درگیری، شاهد ویرانی خانه‌ها و قلعه‌های هموطنان‌شان بوده‌اند، با هر حمله جدید اسرائیل احساس ظلم و بی‌عدالتی عمیق‌تری می‌کنند و این احساس، توده‌های بیشتری را به سوی مقاومت می‌کشاند.

در پایان می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که در این جنگ نابرابر و وحشیانه، رژیم صهیونیستی نه‌تنها نتوانست به اهدافش برسد، بلکه چهره و اندک آبروی نداشت‌ه خود را نیز به حراج گذاشت و با کنار زدن نقاب از چهره کریه خود، خودی درندگی‌اش را به جهانیان نشان داد. اسرائیل اکنون با محاسبه هزینه و فایده این نبرد، تمایل یابد حماس همچنان استوار است و در واقع، خود رژیم است که از آغاز نبرد روز به روز تضعیف شده است. بی‌شک، با پایان درگیری، ایعاد و پیامدهای این شکست برای رژیم آشکارتر خواهد شد. مقاومت ماندنی است و تا نابودی این عده سراطی به مبارزه و جهاد خود ادامه خواهد داد.



**نکاه**

**امارات، قطر و عربستان سرپل‌های اسرائیلی پیشبرد سیاست مقاومت‌زدایی از منطقه مقاومت فلسطین باید این پیروزی را تثبیت کند**

**علی‌عدی**  
پژوهشگر مسائل فلسطین

اجرای آتش‌بس به طور قطع و یقین برای ساکنان غزه و مقاومت فلسطین یک پیروزی به شمار می‌آید، چرا که بعد از ۱۵ ماه جنگ و کشتار، رژیم صهیونیستی مجبور شد به توافقی تن بدهد که در حقیقت توافق خود حماس بود.دولت‌یابدن چندماه قبل از این توافق خود کرده‌بود اما نتایپاها، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی از آن تمکین نکرد. بازگشت به این توافق یک شکست برای رژیم صهیونیستی و یک پیروزی برای مقاومت محسوب می‌شود. البته فشار دولت‌یابدن و فرستاده او بر کابینه اسرائیل، عامل بسیار مهم و مؤثر در پذیرش این توافق از سوی شخص نتایپاها بود.

با این حال متوقف‌شدن در این مرحله و این پیروزی، هم برای مقاومت غزه و هم گل جنبه مقاومت خطرناک است. مقاومت باید برای بعد از این پیروزی سناریو داشته باشد، چراکه دشمن برای تبدیل شکست خود به پیروزی و تبدیل پیروزی مقاومت به شکست تقلا می‌کند و برنامه‌هایی را در این زمینه تدارک دیده است. اکنون ما در مرحله ظهور پیروزی قرار داریم اما پیروزی برای دوام و قوامش نیاز به تثبیت دارد، لذا راضی‌شدن به این پیروزی و تلقی اینکه کار تمام شده، خطرناک است. دشمن می‌خواهد این توافق را پایه و تکیه‌گاهی

برای مقاومت‌زدایی از غزه قرار دهد. سناریوی مهم پس از توافق آتش‌بس این است. البته ممکن است در این مرحله رژیم کارشکنی‌هایی انجام دهد اما سیاست صهیونیست‌ها و همیمانان منطقه‌ای آنها، پیشبرد سیاست مقاومت‌زدایی در غزه و به طور کلان جنبه مقاومت است. مساله‌ای که شروع خواهد کرد ایجاد دوگانه رفاه و مقاومت خواهد بود و اینکه پیشبرد هر گونه بازسازی در غزه را به سمت مقاومت‌زدایی و خلع سلاح مقاومت ببرند. کما اینکه یکی دو سال است در ایران دوگانه مقاومت و توسعه را به یک نحو دگرگی شروع کرده‌اند. همین معادله را در لبنان، فلسطین و جاهای دیگر هم شروع خواهند کرد. اجرایی‌شدن این معادله البته برای غزه بسیار محتمل‌تر است. ناگفته‌نماند از این به بعد محورتب ملاموریت مقاومت‌زدایی از منطقه بر عهده امارات، قطر و عربستان خواهد بود و اینها سرپل‌های اسرائیلی برای پیشبرد این دوگانگی هستند.

**مقاومت**

نویسنده فلسطینی:

**غزه: کربلای زمانه ما است**

محمد ابوبکر، نویسنده فلسطینی دیروز در روزنامه فرامنطقه‌ای رأی‌الیوم، درباره خیزش مجدد غزه از زیر آوار پس از ۴۰ روز مبارزه تمام‌عیار در مقابل رژیم صهیونیستی نوشت و از غزه که هرگز زانو نزد نقاب خائنان و مزدوران اربابانحاکت، تمجد کرد. در مقدمه این یادداشت آمده است: «اگر همه نویسندگان جهان جمع شوند، قادر به توصیف غزه و مردم آن مقاومت آن نیستند. من هم نمی‌توانم واژه‌گویی بیایم که درخور مردم غزه باشد اما با هر چه در توان دارم، تلاش می‌کنم از آن بنویسم.» این نویسنده فلسطینی با ابراز احساس سرخوشی از پیروزی غزه نوشت: «احتمالا برخی می‌گویند از کدام پیروزی سخن می‌گوییم مرد؟ غزه غیر از ویرانی. بیش از ۱۶۰ هزار شهید و مجروح و مفقودالاثر داده است، اما پاسخ به آن ساده‌تر از آن چیزی است که برخی فکر می‌کنند.» ابوبکر در ادامه جنگ غزه را با واقعه کربلا مقایسه کرد و نوشت: «غزه: کربلای زمانه و تاریخ ما است، غزه‌ای که زانو نزود، در حالی که رژیم‌های ورشکسته همچنان به زانو زدن و تسلیم شدنی که کاملاً نامفهوم است، ادامه می‌دهند.

خون فلسطینی‌ها چراغ و آتشی خواهد ماند که راه همه انقلابیون و آزادگان جهان را روشن می‌کند.» او در پایان به اعتراف یک نویسنده اسرائیلی اشاره کرد که گفته است: «حماس افسانه‌ای برای نسل‌های آینده است. در مقابل ما و همه غرب ایستاد و در این رویارویی پایمردی و پایداری کرد.»

### وحشت اسرائیلی‌ها از رزه پیروزی حماس

رزه نظامی مجاهدان گردان‌های عزالدین القسام، شاکه نظامی جنبش حماس در سراسر نوار غزه در میان استقبال گرم اهالی جنگ‌رزه و رنج کشیده آن، تبدیل به مهم‌ترین رویداد جهان عرب در روز یکشنبه شد. این رزه درست در روز اجرای آتش‌بس میان حماس و رژیم صهیونیستی در نوار غزه انجام شد و به منزله قدرتمندی مقاومت فلسطین در مقابل اشغالگرانی بود که طی ۴۷۰ روز پیش از آن، بزرگ‌ترین جنایت‌ها را برای درهم شکستن آن مرتکب شدند!اما در نهایت شکست خوردند. مردم غزه با آغوش باز به سمت رزمندگان مقاومت که در مناطق مختلف این یاریک‌ه مستقر شده بودند رفتند و با صدای بلند فریاد می‌زدند که «همه ما حماس هستیم.» یکی دیگر از شاعرهای اصلی جمعیت استقبال‌کننده غزه از رزه مبارزان قسام فریادهای «درد بر گردان‌های عزالدین قسام» بود.

گای بیگور روزنامه‌نگار اسرائیلی در واکنش به این رخداد در مقاله‌ای نوشت: «صحنه‌های استقرار پلیس حماس و گردان‌های القسام در نوار غزه بلافاصله بعد از اجرای آتش‌بس به این معناست که حماس برگشته و آنها با همه چیز به غزه برگشته‌اند. بنابراین ممکن است حمله دیگری علیه شهرک‌های اطراف نوار غزه اتفاق بیفتد و این وحشتناک خواهد بود.»

این در حالی است که حدود یک سال پیش (۹ فوریه ۲۰۲۴) سازمان ادیو و تلویزیون رژیم صهیونیستی به نقل از نتایپاها اعلام کرده بود از تنش اسرائیل تا قبل از فرارسیدن ماه رمضان، طرحی را برای انهدام گردان‌های القسام در شهر رفح اجرا می‌کند.